

از جمله موضوعاتی که در مکتب اسلام مورد تأکید قرار گرفته است، موضوع «صبر» است. برای نمونه، در روایتی به نقل از امام صادق (ع) می‌خوانیم: «صبر در ایمان به منزله سر در بدن است؛ اگر سر برود بدن نیز می‌رود. همچنین اگر صبر برود ایمان نیز می‌رود» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۸۹). این روایت به خوبی حاکی از اهمیت و ارزشمندی صبر در ثبات ایمان است، به طوری که اگر صبر نباشد، ایمان انسان در خطر نابودی قرار خواهد گرفت. به هر حال، صبر نقش بسزایی در سیر و سلوک و خودشکوفایی انسان دارد. انسان با مجهز شدن به این ویژگی، می‌تواند دشواری‌های مسیر شناخت حق را پیموده و در برابر انحرافات مقاومت کند.

از آنجایی که مفهوم «صبر» مستلزم نوعی خویشتن‌داری است، این مفهوم گاهی اوقات با معنای خویشتن‌داری اخلاقی (تقوا) یا خودمهارگری روان‌شناختی خلط می‌شود. ولی باید توجه داشت که صبر کاملاً مترادف با تقوا یا خودمهارگری روان‌شناختی نیست. به عبارت دقیق‌تر، می‌توان گفت: انسان هنگامی که مشغول خویشتن‌داری است یا سعی می‌کند تقوا پیشه کرده و نفس خود را از انحراف بازدارد، با دشواری‌ها و سختی‌هایی مواجه می‌شود، تحمل این سختی‌ها و بی‌تاب نشدن، نیاز به عاملی به نام «صبر» دارد. به عبارت دیگر، «صبر ناظر به خویشتن‌داری از جزع و بی‌تابی ناشی از دشواری مهار نفس است. صبر در حقیقت نفس را از بی‌تاب شدن در مسیر سخت خویشتن‌داری و مجاهدۀ نفس بازمی‌دارد» (پسندیده، ۱۳۸۸، ص ۱۹۹).

در زمینه صبر تحقیقات بسیاری صورت گرفته است که هر یک به نوعی تلاش کرده است صبر را از جهات گوناگون مورد بررسی قرار دهد. به عنوان نمونه، کتاب **الاخلاق**، مرحوم شبر با توجه به آیات و روایات، سعی کرده است به طور مختصر چیستی، اقسام، فضیلت و بالاخره، شیوه‌های تحصیل صبر را بیان نماید (شبر، ۱۳۸۲). مؤلف کتاب **معراج السعادة** نیز بحث مشابه اما نسبتاً مفصلی در این زمینه مطرح می‌کند (نراقی، ۱۳۸۴). یکی دیگر از بزرگان اخلاق، در کتاب **احوال السالکین** به طور مختصر نکاتی در مورد رسیدن به مقام صبر بیان می‌کند (فیض کاشانی، ۱۴۲۶ق).

به نظر می‌رسد، یکی از مسائلی که در آثار منتشره در باب صبر کمتر به آن پرداخته شده است، بررسی صبر با رویکرد روان‌شناختی است؛ به این معنا که با توجه به آیات، روایات و متون دینی، روند شکل‌گیری صبر چگونه است؟ نشانه‌های افراد صبور کدامند؟ آیا می‌توان میزان صبر افراد را سنجید؟ در صورت امکان سنجش، چه مقیاسی برای تشخیص صبر وجود دارد؟ در صورت ضعف صبر، از چه

نشانه‌شناسی صبر بر معصیت با تکیه بر منابع اسلامی

حسین امیری*

چکیده

این مقاله با استفاده از روش توصیفی - کتابخانه‌ای و با تکیه بر منابع اسلامی، به شناسایی و طبقه‌بندی نشانه‌های صبر بر معصیت در چهار بعد شناختی، هیجانی، انگیزشی و رفتاری پرداخته است. ضمن بررسی نشانگان کلی صبر، به طور ویژه آن دسته از نشانه‌هایی که می‌توانند در موقعیت معصیت محقق شوند، شناسایی و تبیین شده‌اند. نتایج نشان داد که در بعد شناختی سه نشانه، در بعد هیجانی چهار نشانه، در بعد انگیزشی یک نشانه و در بعد رفتاری سه نشانه می‌تواند حاکی از ویژگی صبر بر معصیت باشند. در پایان مباحثی برای تشخیص ممدوح یا غیرممدوح بودن صبر و شناخت مراتب صبر، حد نصاب نشانه‌ها برای صدق ویژگی صبر بیان شده است.

کلیدواژه‌ها: صبر، معصیت، نشانه‌شناسی صبر، مراتب صبر، روان‌شناسی صبر.

تکنیک‌هایی می‌توان برای تقویت صبر استفاده کرد؟ در این مقاله مجال بررسی همه این سؤالات نیست. هدف اصلی این پژوهش، نشانه‌شناسی صبر است. البته تلاش می‌شود که بر یکی از اقسام آن متمرکز شده و به صورت عمیق موضوع را پی‌گیری کند.

با مرور پژوهش‌ها، به تحقیقات اندکی در زمینه نشانه‌شناسی صبر با تکیه بر منابع اسلامی و رویکرد روان‌شناسی دست می‌یابیم. یکی از پژوهش‌ها در این زمینه، مقاله‌ای است با عنوان «بررسی پایه‌های روان‌شناختی و نشانگان صبر در قرآن». این مقاله به نشانه‌های افراد صبور بر اساس آیات قرآن پرداخته است. نویسنده با توجه به آیات قرآن، نشانه‌های متعددی از قبیل گذشت، یاد خداوند هنگام مصیبت‌ها و مشکلات، برخورد با حلم و مدارا در موقعیت‌های جهل و خشونت و... برای صبر بیان می‌کند (نوری، ۱۳۸۷). یکی دیگر از پژوهش‌ها، مقیاسی است که جهت سنجش صبر در نوجوانان ساخته شده است و حاوی ۴۸ عبارت در سه مقوله «صبر بر سختی»، «صبر بر طاعت» و «صبر بر معصیت» است (حسین ثابت، ۱۳۸۷). در این مقاله، هرچند به صورت صریح و طبقه‌بندی شده، نشانه‌های صبر بیان نشده است، ولی می‌توان گفت: چنین مقیاسی به لحاظ نظری مبتنی بر کشف علائم و یا مؤلفه‌های صبر است.

هرچند در حوزه اخلاق تألیفات و پژوهش‌های متعددی در مورد صبر صورت گرفته است، اما به نظر می‌رسد در حوزه روان‌شناختی تلاش‌های اندک، نیاز به تکمیل و توسعه بیشتری دارند. از جمله اینکه در زمینه نظری لازم است اموری که حاکی از وجود ویژگی صبر در افراد می‌باشند، اولاً با استنادی دقیق‌تر بر متون دینی شناسایی شود. ثانیاً، با نگاهی جامع‌تر به چگونگی ارتباط آنها با بروز صبر، اشاره گردد و ثالثاً، بر اساس ابعاد شناختی، هیجانی و عاطفی طبقه‌بندی شوند. از سوی دیگر، بهتر است اقسام صبر و نشانه‌های هریک از این اقسام به صورت مجزا تبیین گردند.

همان‌طور که اشاره شد، صبر دارای اقسام متعددی است. در روایتی از پیامبر گرامی ﷺ می‌خوانیم: «صبر بر سه قسم است: صبر بر مصیبت و صبر در طاعت و صبر در معصیت» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۹۱). بررسی هر کدام از این اقسام، به نوبه خود لازم و ضروری است. اما در این پژوهش تلاش می‌شود تا در کنار بهره بردن از برخی تحقیقات صورت‌گرفته، نشانه‌های صبر با تأکید و تمرکز بر یکی از اقسام آن، یعنی صبر بر معصیت بررسی شوند. سرانجام اینکه در این مقاله، نشانگان با توجه به ابعاد شناختی، هیجانی، انگیزشی و رفتاری طبقه‌بندی می‌شوند. همچنین تلاش شده است هنگام بررسی نشانگان، ارتباط بسیاری از آنها با ویژگی صبر تبیین شود.

با توجه به آنچه گذشت پرسش اصلی این پژوهش عبارت است از: کدام نشانه‌ها حاکی از وجود ویژگی صبر بر معصیت هستند؟

الف - مفهوم‌شناسی بحث صبر

بسیاری از لغت‌شناسان «صبر» را به معنای حبس می‌دانند (حسینی‌زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۷۰؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۵۸). راغب در مفردات با بیان دیگر معنای صبر را «الإساک فی ضیق» ذکر می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۷۴). در کتاب قاموس الفقهی لغة و اصطلاحاً نیز واژگان ثبات، حبس و منع به عنوان معانی صبر بیان شده است (سعدی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۰۶).

در اصطلاح نیز تعریف‌های متعددی بیان شده است. راغب پس از بیان معنای لغوی صبر، معنای اصطلاحی آن را چنین بیان می‌کند: «صبر نگهداری نفس است بر طبق مقتضای عقل و شرع یا نگهداری نفس از آن چیزهایی است که عقل و شرع حکم بر حبس نفس از آنها می‌کنند» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۷۴). سیدحیدر آملی در تفسیر المحيط الاعظم می‌نویسد: «صبر و آن حفظ نفس است از اطاعت هوی و (همچنین به معنای) مقاومت نفس در برابر آن (هوای نفس) است» (آملی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۴۸۷).

فیض کاشانی در رسائل می‌نویسد: «صبر: یعنی پای افشردن بر دشواری در راه حق» (فیض کاشانی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، رساله ۹، ص ۵۵).

همچنین محقق طوسی می‌نویسد: «صبر حفظ نفس است از بی‌تابی کردن در مواجهه با امور ناخوشایند و صبر درون را از اضطراب و زبان را از شکایت و اعضا را از حرکات غیرعادی منع می‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸، ص ۶۸).

یکی دیگر از محققان با تکیه بر روایات، و تقسیم صبر و تجزیه و تحلیل آنها، موضوع اساسی صبر را «امور ناخوشایند» معرفی می‌کند. ایشان پس از بررسی‌های لغوی، اصطلاحی و روایی صبر را این‌گونه تعریف می‌کند: «تحمل کردن سختی‌ها و دشواری‌ها، و پرهیز کردن از جزع و بی‌تابی» بر اساس این تعریف، موضوع اساسی صبر «امور ناخوشایند» است که نفس در برابر آنها بی‌تاب شده و به جزع و فزع روی می‌آورد» (پسندیده، ۱۳۸۸، ص ۱۸۹).

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت: اکثریت این تعریف‌ها صریحاً به حبس نفس تأکید کرده‌اند. در برخی دیگر از تعریف‌ها، از مفهوم مقاومت یا پایداری در تعریف صبر استفاده شده است که در این

موارد هم می‌توان گفت: منافاتی با مفهوم حبس نفس ندارند؛ زیرا لازمه حبس نفس، نوعی مقاومت است؛ کسی که نفس خود را در حالتی خاص حبس می‌کند، در حقیقت سعی می‌کند در برابر عواملی که موجب خروج آن می‌شوند، مقاومت کند و چه‌بسا به همین اعتبار مفهوم پایداری یا مقاومت در تعریف صبر اخذ شده است. در مجموع، با توجه به تعاریف متعدد، به نظر می‌رسد ماهیت مشترک صبر در همه این تعاریف عبارت است از: «نگهداری و حبس نفس در حالتی خاص». اما در مورد متعلق حبس و تبیین این حالت خاص، امور متعددی بیان شده است. ظاهراً راغب این حالت خاص را مقتضای عقل و شرع دانسته است. برخی متعلق صبر را امور ناخوشایند بیان کرده‌اند. مراد همان دشواری‌هایی است که فرد در راه تقوای نفس به آن دچار می‌شود. عده‌ای هم متعلق صبر را حالتی در مقابل هوا و هوس معرفی نموده‌اند. به نظر می‌رسد، اگر متعلق صبر حفظ در حالت مقتضای عقل و صبر یا حالتی در مقابل هوا و هوس دانسته شود، احتمال دارد با معنای تقوا یا خودمهارگری خلط شود. از این رو، مناسب‌تر این است همانند برخی از مؤلفان مانند محقق طوسی، فیض کاشانی و پسندیده، قید «دشواری» یا «امور ناخوشایند» در تعریف صبر اخذ شود.

بنابراین در تعریف صبر می‌توان گفت: «حفظ طمأنینه در برابر دشواری‌ها و مهار مستمر نفس از بی‌تاب شدن» (امیری، ۱۳۹۰، ص ۱۸). این تعریف، ضمن اینکه متناسب با معنای لغوی (حبس و ثبات) است، با بسیاری از تعریف‌های اصطلاحی مذکور نیز سازگار است. همچنین در این تعریف، متضاد بودن صبر با جزع به خوبی لحاظ شده است. «جزع» به معنای قطع کردن چیزی ممتد یا حالتی مستمر است و به نوعی در مقابل سکون و طمأنینه قرار می‌گیرد (راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۹۴؛ مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۲ ص ۸۱۹). از این رو، بهتر است در معنای صبر نیز حالت طمأنینه و مستمر بودن آن را لحاظ کنیم.

معنای معصیت

«معصیت» به معنای عصیان بوده (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۱۲) و مشتق از ماده «عصی» است. در تاج العروس معنای عصیان، «خِلاَفُ الطَّاعَةِ» (حسینی‌زیبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۹، ص ۶۸۲) و در قاموس قرآن «نافرمانی، خروج از طاعت» (قرشی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۱-۱۲) آمده است؛ راغب نیز آن را به معنای خروج از طاعت می‌داند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۷۰).

به نظر می‌رسد، بین لغویین اختلاف جدی در معنای عصیان و معصیت وجود ندارد. پس معصیت در لغت مقابل اطاعت قرار می‌گیرد.

در تعریف‌های اصطلاحی نیز معانی نسبتاً مشابهی برای معصیت بیان شده است: شریف مرتضی در تعریف «معصیت» می‌نویسد: «هر عمل یا اخلال در عمل، که خداوند از آن کراهت داشته باشد. طبق این تعریف انجام کارهایی که خداوند از آنها نهی کرده و همین‌طور کوتاهی در انجام اوامر او، معصیت تلقی شده است» (شریف مرتضی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۲۸۳).

مرحوم طبرسی در مجمع البیان، معنای معصیت را مخالفت با امر می‌داند. تفاوت نمی‌کند که امر وجوبی باشد یا مستحبی. ایشان چنین می‌نویسد: «المعصية مخالفة الأمر سواء كان الأمر واجبا أو ندبا» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۵۵).

شیخ زکریا انصاری در تعریف معصیت، قید «قصد» را هم اضافه نموده و بیان می‌کند: «معصیت مخالفت امر است از روی قصد» (عبدالرحمان، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۰۹).

علامه طباطبائی در المیزان، پس از بیان معنای لغوی عصیان، چنین می‌نویسد: «العصیان و هو عدم الانفعال عن الأمر أو النهی كما يتحقق في مورد التكالیف المولوية كذلك يتحقق في مورد الخطایب الإرشادية» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۳۷). طبق این بیان، عصیان عبارت است از: تحت تأثیر قرار نگرفتن از امر یا نهی، تفاوتی نمی‌کند که این عدم انفعال در تکالیف مولوی باشد یا ارشادی. در هر دو مورد عصیان تلقی می‌شود.

حال آنکه، به نظر می‌رسد تعریف مناسب و جامع این است که گفته شود: «به هرگونه مخالفت با اوامر یا نواهی معصیت گفته می‌شود، حال تفاوتی نمی‌کند که واجب باشد یا مستحب، مولوی باشد یا ارشادی». این تعریف علاوه بر اینکه شامل معنای لغوی معصیت می‌باشد، با اکثر تعریف‌های اصطلاحی هم سازگار است.

کاربردهای واژه عصی در آیات

۱. عدم پیروی

شاهد این معنا آیه ذیل است که در آن عصیان مقابل پیروی قرار گرفته است. در این آیه می‌خوانیم: «رَبِّ إِنَّهُمْ أَضَلُّنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَ مَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ كَافِرٌ بَرِحِمِّي» (ابراهیم: ۳۶)؛ پروردگارا! آنها [بت‌ها] بسیاری از مردم را گمراه ساختند! هر کس از من پیروی کند، از من است و هر کس نافرمانی من کند، تو بخشنده و مهربانی!

۲. مخالفت با امر و نهی

شاهد این معنا آیاتی است که در آن ماده «عصی» برای امر یا نهی به کار رفته است. برای مثال، در مورد

معصیت در صورتی معنا پیدا می‌کند که فرد نتواند دشواری‌های خویشتن‌داری از گناه را تحمل کند. به عبارت دیگر، به کسی که در مقابل انگیزه‌های گناه تاب نیاورده و تسلیم می‌شود و در نتیجه، عملاً آن گناه را انجام می‌دهد، می‌توان گفت: در مرحله رفتار دچار جزع شده است؛ زیرا با انجام گناه آن حالت مستمری را که در تحمل دشواری‌های گناه داشته است، قطع کرده است. یا کسی که در عمل خود را کنترل کرده و گناه نمی‌کند، اما نمی‌تواند هیجان خود را کنترل کرده و آرامش خود را حفظ کند و مدام در حالت برانگیختگی شهبانی یا در حالت خشم به سر می‌برد، چنین شخصی در مرتبه هیجان دچار جزع شده است؛ زیرا نتوانسته است حالت آرامش خود را در برابر دشواری‌های ترک گناه حفظ کند.

ب. نشانه‌های صبر و تبیین آنها در موقعیت معصیت

منظور از «نشانه‌ها» در این پژوهش، اموری است که به نوعی می‌توانند حاکی از وجود صبر بر معصیت در انسان باشند. گاهی اوقات از راه وجود عامل صبر، گاهی از طریق وجود آثار و پیامدهای صبر و گاهی از طریق وجود ویژگی‌های مقارن با صبر، می‌توان به وجود صبر در فرد پی برد. این نشانه‌ها عبارتند از:

نشانه‌های شناختی

این نشانه‌ها عبارت‌اند از: «شناخت‌ها. افکار، ایده‌ها، ارزش‌ها، عقاید یا بازخوردها درباره امور مختلف را شامل می‌شود» (جان‌بزرگی و نوری، ۱۳۸۲، ص ۲۵۴).

۱. یقین به وجود هدف خوشایند

کسی که برای رسیدن به هدف، دشواری‌های راه را تحمل می‌کند، طبیعتاً هم به وجود آن هدف یقین دارد و هم اینکه آن هدف برای او مطلوب و خوشایند است. از جمله اهدافی که می‌تواند در زمینه صبر بر معصیت، انگیزه فرد واقع شود، رسیدن به بهشت و رهایی از جهنم است. این مطلب نیز بسیار روشن است کسی که برای رسیدن به این اهداف، دشواری‌های ترک گناه را تحمل می‌کند، به لحاظ شناختی به وجود بهشت و جهنم باور دارد. این مسئله می‌تواند نشانه شناختی صبر باشد.

برای تبیین بهتر است دو روایت ذیل مورد توجه قرار گیرد:

روایت منقول از حضرت عیسی علیه السلام در پاسخ به یک راهب می‌فرماید:

و اما علامت فرد موقن (یقین‌کننده) شش چیز است: اینکه یقین کند خداوند حق است، پس به او ایمان آورد و یقین کند مرگ حق است، پس از آن پروا داشته باشد و یقین کند که رستخیز حق است، پس از

کاربرد ماده عصى برای مخالفت با امر، می‌توان به این آیه از سوره کهف استناد کرد: «قَالَ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا» (کهف: ۶۹)؛ (موسی) گفت: به خواست خدا مرا شکیبیا خواهی یافت و در هیچ کاری مخالفت فرمان تو نخواهم کرد! در آیه‌ای دیگر علاوه بر اینکه عصیان به امر تعلق گرفته، در مقابل تبعیت نیز قرار گرفته است. در این آیه می‌خوانیم: «أَلَا تَتَّبِعُنِ أَفْصِيَّتَ أَمْرِي» (طه: ۹۳)؛ از من پیروی نکردی؟! آیا فرمان مرا عصیان نمودی؟!».

شاهد بر این اینکه مخالفت با نهی نیز عصیان است، آیه ذیل می‌باشد که در آن انجام نهی (یعنی نجوا کردن) معصیت رسول تلقی شده است. می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوَى ثُمَّ يُعْوَدُونَ لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَ يَتَنَاجَوْنَ بِاللَّيْلِ وَالنَّجْوَى وَالْمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَ...» (مجادله: ۸)؛ آیا ندیدی کسانی را که از نجوا نهی شدند، سپس به کاری که از آن نهی شده بودند بازمی‌گردند و برای انجام گناه و تعدی و نافرمانی رسول خدا به نجوا می‌پردازند. هنگامی که نزد تو می‌آیند تو را تحیتی (و خوشامدی) می‌گویند که خدا به تو نگفته است، و در دل می‌گویند: «چرا خداوند ما را به خاطر گفته‌هایمان عذاب نمی‌کند؟!» جهنم برای آنان کافی است، وارد آن می‌شوند، و چه بدفرجامی است!

۳. مخالفت با تکلیف ارشادی

واژه «عصى» در مورد حضرت آدم، که با نهی ارشادی مخالفت کرده بود، به کار رفته است: «عصى آدمُ رَبَّهُ فَغَوَى»؛ (طه: ۱۲۱) آدم به پروردگار خود عصیان ورزید و بیراهه رفت.

معنای صبر بر معصیت

پس از مفهوم‌شناسی و بررسی‌های متعدد، به نظر می‌رسد، تعریف مناسب صبر بر معصیت عبارت است از: مهار نفس از بی‌تاب شدن در برابر دشواری‌هایی که بر اثر ترک گناه حاصل می‌شود.

در این پژوهش، صبر بر معصیت شامل تحمل دشواری ترک محرمات است. بدین وسیله، از صبر بر طاعت، که شامل تحمل دشواری انجام طاعت است، متمایز می‌شود. به بیان دقیق‌تر، اگر فرد کار حرامی انجام دهد، دچار جزع در صبر بر معصیت شده است و اگر واجبی را ترک کند (هرچند نافرمانی کرده)، دچار جزع در صبر بر طاعت شده است.

معنای جزع در ترک معصیت

همان‌طور که بیان شد، جزع به معنای قطع حالتی مستمر است. به بیان دیگر، اگر انسان بی‌تاب شده و نتواند حالتی را به‌طور مستمر ادامه دهد، گفته می‌شود دچار «جزع» شده است. جزع یا بی‌تابی در مورد

رسوایی بترسد و یقین کند بهشت حق است پس مشتاق آن باشد و یقین آتش (جهنم) حق است، پس برای نجات از آن تلاش کند و یقین کند حسابرسی حق است، پس نفسش را مورد محاسبه قرار دهد (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۰).

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

صبر بر چهار شعبه (یا پایه) است: شوق و ترس و زهد و مراقبت. هر کس مشتاق بهشت باشد از شهوات دست می‌کشد و هر کس از آتش (جهنم) بترسد، از محرّمات رویگردان می‌شود و هر کس در دنیا زهد داشته باشد، مصائب بر او آسان می‌شود و هر کس مراقبت بر مرگ کند، به سوی امور خیر می‌شتابد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۹، ص ۸۹).

بر اساس روایت اول، یکی از علائم فرد موقن این است که یقین به بهشت کند، پس مشتاق آن شود.

بر اساس روایت دوم، یکی از پایه‌های صبر شوق است، کسی که شوق به بهشت پیدا کند، از شهوات دست می‌کشد. با ملاحظه این مقدمات، به راحتی می‌توان گفت که یقین به بهشت یکی از ریشه‌های صبر است. به بیان ساده‌تر، یقین به بهشت موجب ایجاد یکی از پایه‌های صبر می‌شود. در نتیجه، می‌توان یکی از متعلقات یقین در مورد صبر را بهشت دانست. در مورد یقین به جهنم نیز می‌توان همین استدلال را به کار برد.

۲. در نظر گرفتن عاقبت امور

فرد صابر علاوه بر اینکه به وجود هدف (عاقبت خوشایند) یقین دارد، از آن غافل نمی‌شود. همواره عاقبت امور را مدنظر قرار می‌دهد. در واقع، می‌توان گفت: یکی از ویژگی‌های فرد صابر، حزم است. در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد فرد صابر چنین می‌خوانیم: «اگر بر قلبش آگاهی پیدا کنی، از عفت و فروتنی و دوراندیشی‌اش متعجب خواهی شد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۵۶). در روایتی دیگر می‌خوانیم: «صبر بر حق نمی‌کند مگر دوراندیش عاقل» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۵۳۷). حزم به معنای دوراندیشی و یا به تعبیری عاقبت‌اندیشی است. حازم کسی است که به جای لحظه حال، به آینده نظر می‌کند و به پیش‌بینی پیامدهای رفتاری خود می‌پردازد و بر اساس آن، رفتار و برنامه زندگی‌اش را تنظیم می‌کند (پسندیده، ۱۳۸۸، ص ۱۰۶). «تفکر عاقبت‌محور، رنج حال را به سبب عاقبت خوش می‌پذیرد و کار دشوار را انجام می‌دهد. همچنین لذت حال را به سبب پرهیز از عاقبت بد ترک کرده و از رفتار لذت‌بخش دوری می‌کند. حزم هم می‌تواند رنج حال را تحمل‌پذیر سازد و هم ترک لذت حال را» (همان، ص ۱۱۲).

۳. عدم بزرگ‌بینی

یکی از ویژگی‌های شناختی فرد صبور این است که خود را بزرگتر از دیگران تصور نمی‌کند. در روایتی تواضع یکی از چهار علامت فرد صبور بیان شده است: «و اما علامت صابر چهار چیز است: صبر بر امور ناخوشایند (سختی‌ها) و تصمیم به انجام اعمال خیر و فروتنی و حلم (خویشتن‌داری در غضب)» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۰).

می‌توان گفت تواضع هم دارای جنبه شناختی است و هم جنبه رفتاری. مرحوم نراقی در توضیح معنای تواضع بیان می‌کند: «ضد صفت کبر، تواضع است و آن عبارت است از شکسته نفسی، که نگذارد آدمی خود را بالاتر از دیگران ببیند و لازمه آن، کردار و گفتار به‌گونه‌ای است که دلالت بر تعظیم دیگران و اکرام ایشان کند» (نراقی، ۱۳۸۴، ص ۲۹۶).

ممکن است این سؤال مطرح شود که چه ارتباطی بین صبور بودن در مقام معصیت و داشتن حالت تواضع وجود دارد؟ در پاسخ باید گفت: کسی می‌تواند به راحتی در مقابل معاصی صبور باشد که ریشه‌های گناه را در خود تضعیف کرده باشد. برای نمونه، خشم افراطی و بی‌جا می‌تواند زمینه‌ساز گناهی مثل غیبت، فحش، کتک‌کاری و... شود. حال همین خشم، می‌تواند ریشه‌های گوناگونی داشته باشد. یکی از آنها کبر (خودبزرگ‌بینی) است. کسی که خود را بزرگتر از دیگران می‌داند و توقع دارد شدیداً مورد احترام واقع شود، با کمترین بی‌احترامی ممکن است برافروخته شده و گناهی مثل فحش یا غیبت را مرتکب شود. در مقابل، کسی که حالت تواضع دارد، زود دچار خشم و رفتارهای پرخاشگرانه نمی‌شود و راحت‌تر می‌تواند بی‌ادبی دیگران را تحمل کرده و دست به واکنش‌های گناه‌آلود نزند.

نشانه‌های هیجانی

۱. شوق برای رسیدن به هدف

در روایت از امیرالمؤمنین علیه السلام یکی از این پایه‌های صبر، شوق معرفی شده است «صبر بر چهار شعبه (یا پایه) است (که عبارتند از): شوق... پس کسی که مشتاق بهشت باشد، از شهوات دست بردارد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۹، ص ۸۹). مسلماً شوق به هدف (بهشت و رضای خدا)، موجب می‌شود که انسان راحت‌تر بتواند دشواری‌های موجود در راه (از جمله سختی‌های ترک گناه) را تحمل کند. طبیعتاً وجود چنین خصوصیتی، می‌تواند حاکی از وجود صبر در افراد باشد.

۲. ترس از عاقبت بد

یکی دیگر از پایه‌های صبر، ترس از عواقب تلخی است که بر اثر عدم صبر (یعنی جزع) حاصل

می‌شود. از جمله این عواقب تلخ جهنم است: صبر بر چهار پایه است: ... و هر کس از آتش (جهنم) بترسد، از محرمات رویگردان می‌شود. چنین ترسی نیز می‌تواند یکی از نشانه‌های وجود صبر در فرد باشد (همان).

۳. نداشتن رغبت شدید به لذت‌های حرام

یکی از پایه‌های صبر «زهد» است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۵۳؛ نراقی، ۱۳۸۴، ص ۳۵۵) و به‌عنوان عامل یا سبب می‌تواند حاکی از وجود مسبب باشد. صبر چهار پایه است: ... و زهد. و هر کس در دنیا زهد ورزد، مصائب بر او آسان می‌شود (همان). البته با توجه به‌معنای زهد و همچنین در نظر گرفتن روایات دیگر، که در ادامه آمده است، می‌توان گفت: زهد علاوه بر مصیبت، می‌تواند در ترک معصیت و انجام طاعت نیز به‌عنوان سازوکار صبر عمل کند. در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام می‌خوانیم: «هیچ زهدی مانند زهد در محرمات نیست» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۴۸۸). از این روایت به‌خوبی می‌توان فهمید که زهد در مورد محرمات نیز جاری است. با توجه به‌معنای زهد به نظر می‌رسد، وقتی که در مورد محرمات به کار می‌رود، به‌معنای بی‌رغبتی یا کم‌رغبتی به لذت‌های حرام است. در روایت دیگری از آن حضرت می‌خوانیم: «زاهد در دنیا کسی که حرام بر صبرش غالب نگردد و حلال او را از شکر باز ندارد» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۰۰). از این روایت نیز می‌توان برداشت کرد که زهد نسبت به دنیا موجب می‌شود که صبر انسان در برابر محرمات شکست نخورد. به‌عبارت دیگر، وقتی که انسان نسبت به لذت‌های دنیوی از قبیل لذت‌های حرام بی‌رغبت باشد، می‌تواند در برابر محرمات طمأنینه خود را حفظ کرده و خود را از بی‌تاب شدن در برابر ترک لذت‌های حرام نجات دهد.

۴. عدم ابراز غم و اندوه به‌خاطر ترک گناه

در روایتی به نقل از نبی اکرم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم:

علامت شخص صابر و شکبیا سه چیز است: اول آنکه، سست و بی‌حال نیست. دوم آنکه، ملول و محزون نمی‌باشد. سوم آنکه، از پروردگار متعال شکایت نمی‌کند؛ زیرا شخص وقتی کسل و سست شد، حقوق دیگران را ضایع نموده و وقتی ملول و محزون گردید، اداء شکر نمی‌کند و هرگاه از پروردگار شاکمی شد، عیبانش را می‌نماید (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۹۸).

طبق این روایت یکی از علائم فرد صابر عدم ضجر و غمگینی یا ناراحت بودن (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۶، ص ۴۲؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۴۸۱) است.

در مورد معصیت می‌توان گفت: فرد صبور از اینکه ناچار است در برابر انگیزه‌های گناه مقاومت

کرده و دشواری این مقاومت را به جان بخرد، (از روی ناراضایتی) اظهار ناراحتی، بی‌قراری و رنجش نمی‌کند. مثلاً، از اینکه موظف است ربا نگیرد، بی‌حوصله و ناراحت نمی‌شود.

۵. آرامش قلبی

روشن است که خاصیت صبر ثبات و عدم تلاطم است. لازمه صبر در مرحله‌ای بالاتر این است که انسان در مواجهه با دشواری‌ها، علاوه بر مهار بی‌تابی در رفتار، به لحاظ هیجانی نیز خود را از مضطرب شدن حفظ کند. در روایتی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «آنچه که از روی اضطراب باشد، صبر نامیده نمی‌شود» (مصباح‌الشریعة، ۱۴۰۰ق، ص ۱۸۵).

در روایتی دیگر به نقل از ابن‌مسعود آمده است که ایشان از رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد صابران سؤال می‌کند که «فَمَنْ الصَّابِرُونَ» صابران چه کسانی‌اند؟ در پاسخ می‌شنوند: «کسانی که بر طاعت خداوند و (ترک) معصیتش صبر می‌کنند؛ کسانی که کسبشان پاک است و از روی اعتدال انفاق می‌کنند و زیادی را ترجیح می‌دهند؛ پس به رستگاری می‌رسند و نجات پیدا می‌کنند؛ ای پسر مسعود بر ایشان است فروتنی و وقار و سکینه و...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۹۳).

در این روایت، اوصاف متعددی در مورد صابران بیان شده است: یکی از این اوصاف، «سکینه» است. علامه طباطبائی در مورد معنای «سکینه» می‌نویسد:

کلمه «سکینه» از ماده «سکون» است که خلاف حرکت است. این کلمه در مورد سکون و آرامش قلب استعمال می‌شود و معنایش قرار گرفتن دل و نداشتن اضطراب باطنی در تصمیم و اراده است. همچنان‌که حال انسان حکیم (دارای حکمت اخلاقی) این چنین است، که هر کاری می‌کند با عزم می‌کند، و خدای سبحان این حالت را از خواص ایمان کامل قرار داده و آن را از مواهب بزرگ خوانده است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۳۸).

در زمینه معصیت نیز می‌توان گفت: فردی که در مقابل امیال و انگیزه‌های گناه صبور بوده و آنها را تحمل می‌کند، در مراتب بالاتر علاوه بر کنترلی که روی رفتار خود دارد، آرامش درونی خود را نیز حفظ می‌کند. مثلاً، از اینکه یک گناه جنسی را انجام نمی‌دهد، دچار تلاطم درونی نمی‌گردد.

۶. خشوع

با توجه به روایت ابن‌مسعود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یکی از خصوصیات صابران، خشوع است؛ «ای پسر مسعود بر آنان است خشوع» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۹۳). و طبق تعریف علامه طباطبائی: «خشوع» به‌معنای تأثیر خاصی است که به افراد مقهور دست می‌دهد؛ افرادی که در برابر سلطانی قاهر

قرار گرفته‌اند، به طوری که تمام توجه آنان معطوف او گشته و از جای دیگر قطع می‌شود. ظاهراً این حالت، حالتی است درونی که با نوعی عنایت، به اعضا و جوارح نیز نسبت داده می‌شود» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۵).

مفهومی که در مقابل خشوع قرار دارد، استکبار و تکبر است؛ «متضاد خشوع استکبار است» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۲۱۸). به نظر می‌رسد، استکبار در برابر خدا منجر به نوعی جزع یا بی‌تابی در انجام فرامین خدا یا ترک معاصی او می‌شود؛ زیرا کسی می‌تواند راحت‌تر دشواری‌های ترک معاصی یا انجام طاعت را تحمل کند که خود را مقهور اطاعت شونده، بداند و قلبش از عظمت او تحت تأثیر قرار گیرد.

علامه طباطبائی در المیزان به این مطلب اشاره کرده، می‌فرماید: «تمامی معصیت‌ها برگشتش به ادعای انیت (منیت) و منازعه با خداوند سبحان در کبر یا پیش است» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۲۴). پس می‌توان گفت: لازمه صبر بر طاعت یا صبر بر معصیت این است که خود را مقهور خداوند متعال بداند و در برابر خداوند ادعای منیت و بزرگی نکند و الا اگر کسی بخواهد حالت استکبار در برابر خداوند داشته باشد و توجه نداشته باشد که مقهور خداوند، است تحمل دشواری اطاعت خداوند یا ترک معاصی او، برایش بسیار سخت خواهد بود و احتمال دارد هر لحظه دچار بی‌تابی شده و از حالت صبر خارج شود.

در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که تفاوت تواضع و خشوع چیست؟ با توجه به تعریف‌هایی که برای تواضع و خشوع بیان شد، تواضع اعم از خشوع است. به عبارت دیگر، هر خشوعی همراه با تواضع است، ولی هر تواضعی لزوماً همراه با خشوع نیست. به عنوان شاهد می‌توان به بیان فروق اللغة استناد کرد که می‌نویسد: «تواضع اظهار قدرت است برای کسی که مورد تواضع قرار می‌گیرد، حال تفاوتی نمی‌کند که واقعاً قدرتمندتر از متواضع باشد یا نباشد» (عسکری، ۱۴۰۰ق، ص ۲۴۴). در حالی که در خشوع، فرد خاشع احساس مغلوب شدن در برابر مخشوع‌له را می‌کند و قلبش تحت تأثیر بزرگی او قرار می‌گیرد. علامه مجلسی نیز، خشوع در عبادت را نتیجه فکر در جلال معبود و ملاحظه عظمتش می‌داند. ایشان در بحارالانوار می‌نویسد: «خشوع در عبادت و آن نتیجه فکر در جلال (منزه بودن) معبود و در نظر گرفتن عظمتش است که همان روح عبادت است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴، ص ۳۳۶).

بنابراین، اگر فرد در مقابل شخص ضعیف‌تر شکسته نفسی کند و او را مورد تعظیم و اکرام قرار

دهد، می‌توان گفت: تواضع کرده است، ولی نسبت به او خشوع نشان نداده است؛ زیرا خشوع، صفت قلب است که از توجه و فکر در عظمت فرد مقابل و احساس مغلوب شدن ناشی می‌شود، طبیعتاً فرد خاشع بعداً از این احساس، قلباً و بدنماً در برابر مخشوع‌له، اظهار کوچکی (تواضع) نیز می‌کند.

۷. کنترل خشم

«حلم» از آثار وجود صبر است و می‌تواند حاکی از وجود این ویژگی در انسان باشد. «حلم» به معنای خویشتن‌داری در مقام غضب است (پسندیده، ۱۳۸۸، ص ۱۷۶). تداوم این خویشتن‌داری برای انسان دشواری‌هایی دارد. اگر انسان بتواند این دشواری‌ها را تحمل کند و حالت طمأنینه خود را حفظ نماید، می‌توان گفت: در مقام غضب صبور است. پس باید دقت کرد که خویشتن‌داری در مقام غضب «حلم» و تحمل دشواری‌هایی که بر اثر این خویشتن‌داری ایجاد می‌شود، «صبر» است. طبیعتاً کسی که غضب خود را کنترل نمی‌کند و رفتارهای پرخاشگرانه از خود نشان می‌دهد، حالت طمأنینه و تحمل خود را از دست می‌دهد. به عبارت دیگر، چنین فردی با پرخاشگری نشان می‌دهد که نتوانسته بی‌تابی خود را کنترل کند و دچار جزع شده است.

با توجه به آنچه گذشت، می‌توان گفت: یکی از پیامدهای صبر در در زمینه رفتاری و هیجانی «حلم» است؛ زیرا کسی که می‌تواند دشواری را تحمل کرده و خود را از بی‌تابی حفظ کند، مطمئناً در مقام رفتار هم خویشتن‌دار خواهد بود. ولی اگر کسی غضب خود را کنترل نکند، با این کار «حالت طمأنینه» را هم قطع می‌کند. برای این مسئله شاهدی در روایات وجود دارد. در روایتی از نبی اکرم ﷺ درباره وصیت حضرت خضر به حضرت موسی ﷺ نقل آمده است، «ای موسی نفس خود را برای صبر آماده کن (نفست را محل صبر قرار ده) تا به حلم برسی» (جبعی عاملی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۴۰).

همچنین در بخشی از وصیت امام کاظم ﷺ به هشام آمده است: «در حلم را محکم سازید (حفظ کند) که همانا در آن صبر است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۳۰۹). در این روایت، صبر باب حلم معرفی شده است. وقتی گفته می‌شود: صبر باب حلم است؛ یعنی اینکه راه رسیدن به حلم استفاده از صبر است.

نشانه‌های انگیزشی

۱. انتظار مرگ

یکی از پایه‌های صبر، انتظار مرگ است. وجود این پایه می‌تواند حاکی از وجود صبر باشد. «صبر بر

به‌عنوان مثال، بگوید: خدایا ترک غیبت خیلی دشوار است؛ چرا این کار را حرام نموده‌ای؟ ای کاش حرام نبود! در واقع، با این کار حالت طمأنینه خود را قطع کرده و دچار جزع می‌شود.

۲. خویشتن‌داری در مقام شهوت

«غفت یعنی خویشتن‌داری در قلمرو شهوت به معنای عام کلمه» (پسنیدیه، ۱۳۸۸، ص ۱۷۲). به نظر می‌رسد، کسی که می‌تواند در قلمرو شهوت صبور باشد، مطمئناً به مقام غفت نیز می‌رسد. به بیان دقیق‌تر، کسی که می‌تواند بی‌تابی‌های نفس در برابر انگیزه‌های شهوانی را مهار کند، طبیعتاً در مقام عمل هم می‌تواند خویشتن‌دار بوده و شهوت خود را کنترل کند. مسلماً عدم خویشتن‌داری در مقام شهوت، نوعی جزع در رفتار محسوب می‌شود؛ زیرا بر اثر این کار حالت طمأنینه و تحمل فرد نیز قطع می‌شود. پس لازمه و پیامد جزع نکردن (یا همان صبر)، خویشتن‌داری در مقام شهوت است.

در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد فرد صابر می‌خوانیم: «اگر بر قلب او آگاهی پیدا کنی، از غفت و فروتنی و دوراندیشی او متعجب خواهی شد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۵۶). از سوی دیگر، در روایت ابن‌مسعود، یکی از اوصاف بیان شده برای صابران «تحرّج» است. طبق بیان ابن‌منظور، تحرّج به معنای دوری جستن از گناه است و «متحرّج» به کسی گفته می‌شود که از گناه خودداری می‌کند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۳۳). گناه نیز می‌تواند در قلمرو شهوت (شهوت جنسی مانند زنا، شهوت شکمی مانند خوردن غذای حرام) یا غضب باشد و فرد صابر از گناهان دوری کرده و خودداری می‌کند.

ج. صبر ممدوح و غیرممدوح

صبر در صورتی ممدوح و صفت کمالی محسوب می‌شود که برای رضای خدا یا رسیدن به ثواب الهی و رهایی از عذاب الهی باشد. به بیان دیگر، انگیزه صبر در طاعت، و یا در مصیبت، و یا در معصیت باید الهی باشد. در قرآن کریم می‌خوانیم: «وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ (رعد: ۲۲)؛ و آنها که به خاطر ذات (پاک) پروردگارشان شکیبایی می‌کنند و نماز را برپا می‌دارند و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم، در پنهان و آشکار، انفاق می‌کنند و با حسنات، سیئات را از میان می‌برند پایان نیک سرای دیگر، از آن آنهاست.

عَلَّامه طباطبایی در این زمینه می‌فرماید:

چهار پایه است: بر ... و مراقبت ... و هرکس مراقبت مرگ کند (انتظار آن را داشته باشد) به سوی خیرات شتاب می‌کند» (همان، ج ۶۹، ص ۸۹). کسی انتظار مرگ را می‌کشد، همواره نوعی حالت برانگیختگی دارد و سعی می‌کند با انجام کار خیر و دوری از گناه، خود را به‌گونه‌ای مهیا سازد که در صورت وقوع مرگ آماده باشد. هرچند در این روایت، تأثیر انتظار مرگ بر انجام خیرات بیان شده است، ولی با ضمیمه کردن برخی روایات دیگر می‌توان گفت: انتظار مرگ در زمینه ترک معصیت نیز تأثیرگذار است. از جمله در روایتی به نقل از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله آمده است: «کسی مراقبت مرگ را داشته باشد از لذات اعراض می‌کند» (همان، ج ۷۴، ص ۹۴). همچنین در قسمتی از کتاب **توحید مفضل** از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «وانگهی اگرچه شماری از مردم از یاد مرگ غافل می‌شوند و موعظت نمی‌پذیرند، اما شماری دیگر اثر می‌پذیرند و از معاصی بازمان می‌دارد و...» (ابن‌عمر، بی‌تا، ص ۸۴). بر اساس این روایت، انتظار مرگ موجب می‌شود حداقل برخی از مردم پند گرفته و از معاصی دوری کنند.

۴. نشانه‌های رفتاری

۱. شکایت نکردن

یکی از علائم فرد صابر «شکایت نکردن» است. در روایتی به نقل از نبی اکرم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم:

علامت شخص صابر و شکیبا سه چیز است: اول آنکه، سست و بی‌حال نیست. دوم آنکه، ملول و محزون نمی‌باشد. سوم آنکه، از پروردگار متعال شکایت نمی‌کند؛ زیرا شخص وقتی کسل و سست شد، حقوق دیگران را ضایع نموده و وقتی ملول و محزون گردید اداء شکر نمی‌کند و هرگاه از پروردگار شاکی شد عیبانش را می‌نماید» (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۹۸).

همچنین در روایت دیگری، که تفسیر صبر بیان شده است، می‌خوانیم:

رسول اکرم صلی الله علیه و آله از جبرئیل سؤال کرد که تفسیر صبر چیست؟ عرضه داشت: یعنی انسان در موقع گرفتاری روحیه‌اش همانند زمان آسایش قوی و شاداب باشد. و در زمان فقر و تهیدستی همانند زمان غنا و بی‌نیازی و در موقع بلا و مصیبت همانند زمان عافیت باشد و مصائب و ناراحتی‌های خود را نزد مردم بازگو ننماید و شکایت نکند (مجلسی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۹۳).

از این روایت، به‌خوبی می‌توان برداشت کرد که لازمه صبر این است که فرد لب به شکوه باز نکند.

به‌طور کلی، چنین می‌توان گفت: کسی که صبور است، در برابر سختی‌هایی که به‌خاطر مصیبت یا انجام طاعت و یا ترک معصیت مواجه می‌شود، لب به شکوه نمی‌گشاید. به‌عبارت دیگر، کسی که نتواند دشواری‌های چنین اموری را تحمل کند و لب به شکایت از خداوند تبارک و تعالی باز کند.

اینکه صبر را مطلق آورده می‌رساند که اشخاص مورد نظر آیه همه اقسام صبر را دارند؛ یعنی هم صبر در موقع برخورد به مصیبت، و هم صبر بر اطاعت حق، و هم صبر در برابر معصیت را. ولیکن مع ذلک صبرشان را مقید به قید «اِتِّعَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ» نموده، یعنی اگر صبر می‌کنند، فقط و فقط به منظور رضای پروردگارشان است. پس اگر خداوند مدحشان کرده، نه از این نظر است که صفات ممدوحی دارند، بلکه مدحشان از این جهت است که این صفت ممدوح یعنی صبرشان به خاطر خداست، ... آری، صببری از نظر قرآن ممدوح است که به خاطر خدا باشد، نه به خاطر جلوگیری از عجز، و یا عجب به نفس، و یا تعریف این و آن، و یا غیر آن، ... مقصود از «وجه ربهم» جهت الهی عمل و یا فکر و یا نیت است. و جهت الهی عمل و یا فکر آن صفت و صورتی است که عمل نزد خدا دارد و آن عبارت است از: اجر و مزدی که نزد خداست، و با بقاء خدا باقی است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱، ص ۴۷۰).

به‌طور کلی، می‌توان گفت: اگر نشانه‌های صبر در رفتار فرد موجود باشد، صبر محقق شده است منتها اگر انگیزه فرد رضای پروردگار باشد، صبرش ممدوح تلقی می‌شود، ولی اگر انگیزه او اموری مثل ریا و تعریف مردم باشد، صبرش غیرممدوح است.

د. مراتب صبر

در روایتی به نقل از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم:

کسی که در برابر مکروهی صبر نمود و به سوی خلق شکایت نبرد و با فاش کردن رازش بی‌تابی نکرد و از صابران عام است و نصیص همانی است که خداوند عز و جل فرمود «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» (بشارت ده صابران را)؛ یعنی به بهشت و مغفرت و کسی که با خوشحالی از بلا استقبال کند و با آرامش و وقار صبر کند و از صابران خاص است و نصیص همانی است که خداوند متعال فرمود «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (مصباح‌الشریعه، ۱۴۰۰ق، ص ۱۸۶).

بر اساس این روایت، می‌توان گفت: صبر بر دو مرتبه است: صبر عام، صبر خاص. البته با تحلیل مفهوم صبر نیز می‌توان این دو مرتبه را تبیین کرد. همان‌طور که بیان شد، صبر یعنی حفظ طمأنینه در برابر دشواری و مهار مستمر نفس از بی‌تابی. حال این مهار بی‌تابی، فقط در حد رفتار و واکنش‌های بیرونی است و گاهی اوقات، فرد علاوه بر واکنش‌های ظاهری به لحاظ باطنی در قلب و هیجان نیز خود را از بی‌تاب شدن حفظ می‌کند. نشانه‌های صبر در هر مرتبه را به‌صورت زیر می‌توان تبیین نمود:

الف. صبر عوام که با حالت کراهت صبر کرده و در رفتار بی‌تابی از خود نشان نمی‌دهد. در این مرتبه، که حداقل مرتبه صبر است، فرد از خداوند به‌خاطر اینکه او را از انجام کاری برحذر داشته است، شکایت نمی‌کند. همچنین شهوت و غضب خود را کنترل کرده و دست به رفتارهای گناه‌آلود نمی‌زند.

در ضمن، با انجام رفتارهایی مثل نالیدن، فریاد و... نسبت به نواهی خداوند ابراز ناراحتی و نارضایتی نمی‌کند. در مورد نشانه‌های شناختی نیز باید گفت: فرد یقین به پیامد خوشایند دشواری‌های ترک معصیت داشته و عاقبت تحمل این دشواری‌ها را نیز در نظر می‌گیرد. در غیر این صورت، اگر فرد برای تحمل دشواری هیچ فایده‌ای نبیند و یا از فواید آن کاملاً غافل باشد، معنا ندارد که دشواری را تحمل کند. حتی در صورت ریا، فرد تعریف مردم یا شهرت را به‌عنوان عاقبت خوشایند در نظر می‌گیرد.

ب. صبر خاص، یعنی فرد هم در ظاهر و هم در باطن، طمأنینه خود را حفظ می‌کند، نه تنها اظهار شکایت و جزع نمی‌کند، بلکه به‌لحاظ هیجانی و درونی نیز خود را حفظ کرده و کراهت قلبی نسبت به دشواری ندارد. به‌عبارت دیگر، چنین فردی علاوه بر نشانه‌های مربوط به واکنش بیرونی، نشانه‌های درونی (مثل آرامش قلبی و اشتیاق درونی) را هم داراست؛ هرچه تعداد نشانه‌ها و شدت هر کدام بیشتر باشد، حاکی از میزان بالای صبر است.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گذشت، سیزده نشانه را می‌توان در موقعیت معصیت تبیین نمود. این نشانگان عبارتند از:

الف. نشانه‌های شناختی: ۱. به وجود هدف خوشایند برای ترک معصیت یقین دارد. ۲. عاقبتی را که در ترک معصیت است، همواره مدنظر دارد. ۳. نسبت به اطرافیان خودبزرگبینی ندارد. ب. نشانه‌های هیجانی: ۱. از اینکه باید دشواری‌های موجود در ترک گناه را تحمل کند، ابراز غم و اندوه نمی‌کند. ۲. هنگام خویشتن‌داری از گناه آرامش درونی خود را حفظ می‌کند. ۳. قلبش تحت تأثیر عظمت خداست و حالت استکبار در برابر او ندارد؛ ۴. همواره هیجان خشم خود را کنترل می‌کند. ج. نشانه انگیزشی: فرد صابر همواره انتظار مرگ را دارد. این حالت، موجب نوعی برانگیختگی و آمادگی برای استقبال از مرگ شده است.

د. نشانه‌های رفتاری: ۱. از خداوند به دلیل اینکه او را از گناهان برحذر داشته است، شکایت نمی‌کند؛ ۲. در مقام شهوت خود را کنترل کرده و رفتارهای گناه‌آلود نشان نمی‌دهد. ۳. در مقام غضب از انجام رفتارهای پرخاشگرانه و گناه‌آلود خودداری می‌کند.

نکته دیگر اینکه صبر فرد با توجه نوع انگیزه‌اش، می‌تواند ممدوح و غیرممدوح شود. همچنین با توجه به تعداد و شدت نشانه‌هایی که در او هست مرتبه صبرش، می‌تواند تغییر کند. البته لازم به یادآوری است حد نصاب صبر این است که حداقل نشانه‌های رفتاری و ظاهری صبر باید در فرد موجود باشد تا بتواند صبر عام، که مرتبه پایین صبر است، برسد.

منابع

- نهیج البلاغه (۱۴۱۴ق)، تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت.
- مصباح الشریعة (۱۴۰۰ق)، بیروت، اعلمی.
- ابن مفضل، (بی تا)، **توحید المفضل**، محقق کاظم مظفر، چ سوم، قم، داوری.
- ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴ق)، **لسان العرب**، بیروت، دار صادر.
- امیری، حسین (۱۳۹۰)، **تحلیل روان‌شناختی صبر بر معصیت و ساخت آزمون اولیه آن با تکیه بر منابع اسلامی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- آملی، سیدحیدر (۱۴۲۲ق)، **تفسیر المحيط الأعظم و البحر الخضم**، تحقیق سیدمحسن موسوی تبریزی، تهران، وزارت ارشاد اسلامی.
- پسندیده، عباس (۱۳۸۸)، **اخلاق‌پژوهی حدیثی**، تهران، سمت.
- جان‌بزرگی، مسعود و ناهید نوری (۱۳۸۲)، **شیوه‌های درمانگری، اضطراب و تنیدگی (استرس)**، تهران، سمت.
- جبعی عاملی، زین‌الدین بن علی (شهید ثانی) (۱۴۰۹ق)، **منیة المرید**، قم، مکتب الإعلام اسلامی.
- حرانی، ابن شعبه، (۱۴۰۴ق)، **تحف العقول**، قم، جامعه مدرسین.
- حسین ثابت، فریده، **امقیاس سنجش صبر برای نوجوانان** (۱۳۸۷)، **روان‌شناسی و دین**، سال اول، ش ۴، ص ۷۳-۸۷
- حسینی زبیدی، سیدمحمد مرتضی (۱۴۱۴ق)، **تاج العروس من جواهر القاموس**، محقق علی شیری، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد، (۱۴۱۲ق)، **المفردات فی غریب القرآن**، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت، دارالعلم.
- سعدی، ابوجیب (۱۴۰۸ق)، **القاموس الفقهی لغة و اصطلاحا**، چ دوم، دمشق، دارالفکر.
- شیر، سیدعبدالله (۱۳۸۲)، **الأخلاق**، ترجمه محمدرضا جباران، قم، هجرت.
- صدوق، محمدبن علی (۱۳۸۵)، **علل الشرائع**، قم، کتابفروشی داوری.
- طباطبایی، سیدمحمد حسین (۱۴۱۷ق)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم، جامعه مدرسین.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴)، **ترجمه تفسیر المیزان**، سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۳۷۲)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، مقدمه محمدجواد بلاغی، تهران، ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، **مجمع البحرين**، تحقیق سیداحمد حسینی، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
- عبدالرحمان، محمود (بی تا)، **معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیة**، بی‌جا، بی‌نا.
- عسکری، حسن‌بن عبدالله (۱۴۰۰ق)، **الفروق فی اللغة**، بیروت، دار الآفاق الجدیدة.
- فراهیدی، خلیل‌بن احمد (۱۴۱۰ق)، **کتاب العین**، قم، هجرت.
- فیض کاشانی، ملاحسن (۱۴۲۹ق)، **رسائل فیض کاشانی**، تهران، مدرسه عالی شهید مطهری.
- _____ (۱۴۲۶ق)، **احوال السالکین**، بیروت، دارالمحجة‌البیضاء.
- قرشی، سیدعلی اکبر (۱۴۱۲ق)، **قاموس قرآن**، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- کلینی، محمدیعقوب (۱۴۰۷ق)، **الکافی**، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- _____ (۱۳۶۲)، **الکافی**، تهران، اسلامیه.
- لیثی واسطی، علی‌بن محمد (۱۳۷۶)، **عیون الحکم و المواعظ**، قم، دار الحدیث.
- _____ (۱۳۶۴)، **بحار الأنوار** (ترجمه جلد ۶۷ و ۶۸)، ترجمه ابوالحسن موسوی همدانی، تهران، کتابخانه مسجد ولی عصر.
- _____ (۱۴۰۳ق)، **بحار الأنوار**، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- موسوی، علی بن حسین (شریف‌مرتضی) (۱۴۰۵ق)، **رسائل الشریف المرتضی**، محقق سیدمهدی رجائی، قم، دار القرآن الکریم.
- نراقی، ملاحمد (۱۳۸۴)، **معراج السعاده**، قم، هجرت.
- نوری، نجیب‌الله، «بررسی پایه‌های روانشناختی و نشانه‌گان صبر در قرآن»، (۱۳۸۷)، **روان‌شناسی و دین**، سال اول، ش ۴، ص ۱۴۳-۱۶۸.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی